

عید سعید غدیر خم

مکان: مکه مکرمه

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۴۳/۱۲/۱۹ هجری قمری مقارن با ۱۴۰۱/۰۴/۲۸ هجری شمسی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وقتی حرکت کرد جمله پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این بود: «قَدَبَرَزَا الْإِيمَانَ كُلَّهُ إِلَى الْكُفْرِ كُلِّهِ»، همه ایمان به سمت همه کفر رفته است.

این فرصت را غنیمت شمردن است، ببینید عزیزان من، همه عمر ما فرصت است. حواسمان باشد، درست استفاده می‌کنیم، حواسمان نباشد، شب اول قبر جناب عزرائیل آمد و ما به آن طرف رفتیم.

جمله پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تحقق پیدا می‌کند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «النَّاسُ نِيَامُ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا».

مردم خواب هستند، چه زمانی از خواب خرگوشی بلند می‌شوند؟

به مجرد اینکه از دنیا رفت، چشم آن به عالم برزخ باز شد، عالمی که اگر تمام این دنیا را داخل آن قرار دهیم، گم می‌شود، آن قدر آن عالم بزرگ است. عالمی که این عالم نسبت به آن عالم مانند رحم مادر است. نسبت به عالم دنیا فرمودند: «زمانی که آن‌جا قرار می‌گیرد، تازه بیدار می‌شود و تازه هوشیار می‌شود».

مورد سوم را عرض بکنم، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ بدر شبانگاهان به کنار جایگاه دشمن رسیدند. لشکر اسلام تشنه بودند زیرا ماه رمضان بود. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «چه کسی می‌رود و برای ما آب می‌آورد؟».

آن‌جا هوا سرد بود، همچنین دشمنان مسلح بودند و هیچ‌کس جرأت نکرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) بلند شدند و گفتند که من می‌روم. این‌جا نیز سه بار تکرار کردند، اجازه گرفت مشک را برداشت، آمد به چاه‌های بدر رسید؛ وسیله‌ای نداشت که آب را بیرون بکشد و ایشان از چاه پایین رفتند، مشک را پر از آب کرد و از درون دشمن بیرون آمد و زمانی که ایشان برمی‌گردند، هوا تاریک و سرد بود و تک‌وتنها بودند، بادی وزیدن گرفت که آن‌قدر شدید بود که حضرت نشستند. برای بار دوم حرکت کرد، باز دوباره بادی وزیدن گرفت و برای بار سوم بادی وزیدن گرفت، نشست. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) منتظر و دل‌نگران بودند، حضرت علی (علیه السلام) دیر آمده است. تا امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیدند، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «علی جان خوش آمدید، با آب آمدید یا بدون آب آمدید؟».

حضرت فرمودند: «مشک من پر از آب است».

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «سه بار نشستید؟».

حضرت فرمود: «بلی یا رسول‌الله، باد آمد».

و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «باد نبود، بار اول جبرائیل با هزار فرشته بودند و به تو سلام کردند. بار دوم میکائیل با هزار فرشته بودند بر تو سلام کردند. بار سوم اسرافیل بود».

اینکه انسان بتواند فرصت را بشناسد و به چنگ آورد و در پرونده عملش ثبت کند. ما در حال حاضر کنار مسجدالحرام هستیم در اینکه چه مقدار طواف انجام داده‌اید؟ و با چه حالی طواف را انجام داده‌اید؟ در پرونده‌مان چه چیزی نوشته‌ایم؟

این‌ها فرصت‌هاست این‌ها را باید قدر دانست.

پس اولین نکته‌ای که کم‌تر به آن توجه شده در زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است که تخصص امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شناخت فرصت‌ها، بهره‌وری از فرصت‌ها، استفاده از فرصت‌ها است و ما باید این‌ها را قدر بدانیم، با این که فرصت‌ها مختلف است. خدای متعال روزی شما قرار داده است، در یک برهه‌ای همسایه یک عالمی شده‌اید، استفاده کنید. یک سفر مذهبی رفتید، استفاده کنید. خداوند به تو فرزندی داده است که به سمت حوزه رفته است و طلبه است و این فرزند در خانه تو می‌باشد، از علم او استفاده کنید و نگویید من پدر و مادر هستم. او در حال حاضر از شما باسوادتر است، پس از او استفاده کنید.

یک کسی است که اگر با او باشید، دین تو تقویت می‌شود؛ هزینه کنید، سعی کنید با او باشید. گفت:

همشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید

فرصت را باید غنیمت شمرد.

مطلب دوم: امیرالمؤمنین (علیه السلام) دین را حداکثری می‌خواهند، یک کلمه از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شنیده است، بنده و شما هم شنیدیم، ما عمل نمی‌کنیم او عمل می‌کند. حدیث پیغمبر (صلی الله علیه و آله) چه چیزی بود؟

«تَنَاقَحُوا تَنَاسُلًا كَثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ أَلَا مَرَّيَوْمَ الْقِيَامَةِ^۳»، فرمودند که نسلتان را زیاد کنید، من در روز قیامت به نسل شما و به مسلمین زیاد افتخار می‌کنم. ادامه روایت این است: «وَلَوْ بِالسَّقَطِ»، ولی آن کودکانی که نارس از دنیا رفتند. در روایت دیگری فرمودند: «اتَّقِلْ الْأَرْضَ بِقَائِلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ^۴»

زمین را با گوینده لا اله الا الله سنگین کنید. امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۶۳ سال عمر کرده است، ۲۷ فرزند دارد. به یک خانمی می‌گوییم چند فرزند دارید؟

می‌گوید: «دو تا فرزند دارم». می‌گوییم که تعداد فرزند را به سه عدد برسان. می‌گوید: «نه حاج‌آقا».

این فرق من و امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

او می‌خواهد دین و کلام پیغمبر را محقق کند، من به دنبال رفاه هستم. این دو کافی است و سه تا زیاد هست و چطور اداره‌اش کنم.

بله، او علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) می‌شود و من هم شیخ علی رضایی می‌شوم و این دلیل قضیه است. ایشان

دین را حداکثری می‌خواهد و به دنبال این است که حرف پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بر کرسی بنشیند.

مطلب سوم، امیرالمؤمنین (علیه السلام) یک ثروتمند عالم بود. بعضی افراد خیال می‌کنند علی بن ابیطالب

(علیه السلام) گرسنه و فقیر بود. وقتی حضرت از دنیا رفت، بر سر حق تولیه اوقاف حضرت دعوا بود، آن‌قدر

حضرت وقف کردند. حق تولیه حضرت آن‌قدر بالا بود که گاهی بین حسن و حسین اختلافاتی پیش می‌آوردند.

هنوز که هنوز است، ما شب به این جا آمدیم، اگر روز به این مکان می‌آمدیم، از مدینه به مکه که می‌آییم، تابلوهایی

به نام ابیار علی (علیه السلام) دارد، جمع کلمه بئر است و بئر به معنای چاه است.

چاه‌هایی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) با دست خودش ایجاد کردند، یکی از آن‌ها روبه‌روی مسجد شجره است،

من رفتم، که شما نیز از آب نوشیدید. باغ ایجاد می‌کرد و ایشان بسیار ثروتمند بود اما ثروت در کنار قناعت است،

بهینه زندگی کردند. در طول مدت عمرشان با نان جوین اکتفا کردند، با دو تا لباس اکتفا کردند.

در نهج‌البلاغه فرمود: «الْأَوَّلُ إِنْ أَمَّا مَكْرَهُ قَدِ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيَّةٍ، وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيَّةٍ^۵»، به دو جامه کهنه و از

خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده است. دو عدد لباس دارم یعنی تولید، حداکثری است؛ مصرف حداقلی

است. یعنی «كثِيرَ الْمَعُونَةِ خَفِيفَ الْمَوْنَةِ^۶»، وقتی می‌خواهد به دیگران خدمت کند، ماشاءالله تولید ثروت

می‌کند و بریز و پاش می‌کند و ایشان باغشان را فروخت به غلامش فرمود که فقرای مدینه را صدا کنید، دستیار

حضرت بود، بعضی گفتند به مقدار گفت. به مسجدالنبی تکیه داد، درهم و دینارها را داخل دامنش ریخت، فقرای

مدینه به ستون، یک به یک ایستادند و هر کسی آمد و یک مشت درهم گرفت. بلند شد و دامنش را تکان داد و

به منزل رفت.

حضرت گرسنه بودند و رو به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کردند و گفتند که فاطمه جان غذا چه چیزی داریم؟

حضرت فرمودند: «یا علی جان، چیزی نداریم».

زن و شوهر گاهی اوقات با هم به صورت طنز صحبت می‌کنند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) به طنز فرمودند:

«علی جان! ما را نیز یکی از فقرای مدینه حساب می‌کردید».

حالا چرا نکردند؟

حال امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است که یک دست جلوی آن دراز است و یک مشت درهم مانده است؛

نمی‌تواند برای خودش نگه‌دارد، اصطلاحاً در عرف دینی به این ایثار می‌گوییم.

«وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ^۷»، به ما گفتند که اهل انصاف باشیم ولی خودشان اهل ایثار هستند

و ایثارگر یعنی این که لقمه‌ای را که می‌خواهد در دهان خودش بگذارد، به دیگران می‌دهد.

«وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَنُرِيدَ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا^۸».

مثل‌هایی که ما داریم برای ما است، چراغی که به خانه روا است، به مسجد حرام است، این مربوط به اهل ایثار

نمی‌باشد و مربوط به حضرت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) نیست. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیز راضی هستند و به طنز این حرف را می‌گویند. حال حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هم حال امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

اینکه انسان ثروت دارد و مکنّت دارد اما اهل ایثار و نثار است، اهل این است که دیگران را بر خود مقدم بدارد. این است که می‌شود علی بن ابیطالب (علیه السلام)، که ما دور کعبه می‌گردیم، نیت ما این است که به دور ولایت می‌گردیم.

«عَلَى حُبِّهِ جَنَّةٌ قَسِيمٌ النَّارِ وَالْجَنَّةُ وَصِيُّ الْمَصْطَفَى حَقًّا إِمَامُ الْإِنْسِ وَالْجَنَّةُ ۹».

یکی از ابعاد کمتر دقت شده زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است و بحث را ببندم.

اینکه علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) جامع اضداد است. صفی‌الدین هندی شعر بلندی دارد «جمعت فی صفاتک الأضداد ولهذا عزت بك الأنداد خلقٌ یخجل النسیر من اللطف وبأسن یدوب عنه الجماد ۱۰».

علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) جامع اضداد است، مأمور شجاعان عالم است به شدت بخیل است، حضرت علی (علیه السلام) هم شجاع و جواد است. پیش معاویه آمد گفت از کجا می‌آیید؟

می‌خواست چابوسی کند «جئتک من عندو بأجل الناس»، از پیش کسی می‌آیم که از همه بخیل تر است و آن علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است.

معاویه گفت: «فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ: مَهْ وَفَهْ وَفَاك»، خفه شو، خدا دهانت را بشکند.

«وَلَكِنَّا تَحَدَّثَ أَنْ لَوْ كَانَ لِعَلِيٍّ بَيْتٌ مِنْ تَبَنٍ وَأَخْرَجْنَا مِنْ تَبَرٍ لَأَنْفَدْنَا تَبْرًا قَبْلَ بَيْتِ التَّبَنِ ۱۱»، اگر علی (علیه السلام) دو تا اتاق در دستش باشد، یکی اتاق کاه باشد و دیگری اتاق طلا. آن اتاق طلا را زودتر از اتاق کاه در راه خدا انفاق می‌کند. و معاویه گفت، «وَالْفَضْلُ مَا شَهِدْتَ بِهِ لِأَعْدَاءِ ۱۲»، و کسی نتواند انکار کند.

مأمور شجاعان عالم، قسی القلب است. علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) در لیله الهریر، شب سوم شروع جنگ صفین، در یک شب، هفتصد نفر را کشت، از کجا فهمیدند؟

هر یک نفر را که حضرت می‌کشتند، فریاد می‌زدند الله اکبر؛ نشان می‌دادند که یک نفر دیگر به درک واصل شد. همین علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) که در یک شب هفتصد و ده نفر را کشته است، یک بچه یتیم می‌بیند که حال عقب‌مانده و آسیب‌پذیر است، زارزار شروع به گریه کردند، این جمع اضداد است. این علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است و به آقایتان ببالید و به امامتان و به انتخابتان ببالید. چه چیزی خدای متعال روزی ما کرده است؟

ما می‌بینیم که همسایه شرقی ما مگر هندوستان نیست، تعداد زیادی در این کشور چیزهایی را می‌پرستند و مقدس می‌پندارند که من از این تریبون خجالت می‌کشم نام ببرم که آن‌ها چه چیزی را می‌پرستند و به زبان بیاورم و آن‌ها نیز به ظاهر انسان هستند و زندگی می‌کنند.

محبوب و معشوق ما علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است و محبوب دیگران نیز چیزهای دیگر است. این است که باید به خودمان ببالیم و از اعماق درونمان تکرار کنیم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْلَادِهِ الْمَعْصُومِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ».

چند بیت قصیده بخوانیم و بعد یک مقدار مولودی بخوانیم و آماده‌ایم که جوایز را پخش کنیم. دیگر نصیبمان بشود تا آخر عمر، که در روز غدیر در کنار امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشیم و یا نباشیم، بعد از حج و عمره تمتع باشد.

من در این سفر حساب کردم، دیدم انسان‌هایی که مانند ما مدینه قبل هستند و بعد از اعمال منا دارند زندگی می‌کنند، طبق آیات و روایات ۲۲ بار بخشیده شده‌اند، چند بار گفتیم؟

۲۲ بار، که در آخر آن چیزی نمانده است، باید ارتفاع درجه بگیریم و باید از خدای متعال سلوک بگیریم، سیر بخواهید، معنویت بخواهید، کور و کر از دنیا نروید. باید به سمت تکامل روحی و معنوی بروید و گرنه فرمود که بدترین حاجی آن کسی است که عصر عرفه در عرفات می‌خواهد به مشعر برود، یقین نداشته باشد خدا او را آمرزیده است و از این انسان بدتر وجود ندارد.

در حال حاضر چه مقدار با مکان غدیر ما فاصله داریم؟

مدیر کاروان این مطلب را نگوید. من در حال حاضر که این جا ایستاده‌ام، چه مقدار با غدیر فاصله دارم و تا جحفه چه مقدار فاصله دارم؟

تا آخر جلسه فکر کنید و رقم به من بدهید.

ما چهارده معصوم داریم، در دو جا، زمانی که می‌روید دست خود را بر روی سینه بگذارید و بگویید: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَتَاهُ»، پدر، سلام می‌گویم. یکی در مدینه است، من زمانی که خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌رسم، هیچ ذکر و سلامی این‌طور حال من را دگرگون نمی‌کند. دستم را روی سینه‌ام می‌گذارم و رو به گنبد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌گویم: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَتَاهُ ۱۳»، پدر، سلام عرض می‌کنم. پدرها به فرزندا طوری دیگر نگاه می‌کنند، یکی دیگر نجف رفتید و دست خود را بر روی سینه‌تان بگذارید و بگویید: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَتَاهُ».

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبُوَاهِذِهِ الْأُمَّةَ ۱۴».

کسانی که شیر دادند و به گردن ما حق دارند و مادرانی که سر به تیره تراب آورند، پدر سرکار خانم عسکری پور که امشب ليله الدفن او است و ما باید نماز ليله دفن بخوانیم و بزرگوارانی که دخترشان در این‌جا دور خانه خدا می‌گردد و او به آن عالم منتقل شده است و همه آنان بهره ببرند.

یاد می‌کنیم از همه شهدا و جانبازان و کسانی که اگر ما کشور و ملت داریم و روی پایمان ایستاده‌ایم، در برهه‌ای از زمان، شرق و غرب عالم تلاش کردند ما را به زمین بزنند، نتوانستند و من گفتم جنگی تحمیلی ما، جنگ جهانی سوم بود. دو تا کشور ضعیف از ما دفاع کردند، دو کشور که فی الجمله طمعی به ما داشتند که از ما دفاع کردند و تمام دنیا با ما جنگیدند. شوروی سابق، آمریکا، اروپا، اسرائیل، کشورهای عربی، اتحادیه خلیج فارس و همه ولی این ملت ایستاد و هشت سال جنگ را اداره کرد. شهید و جانباز دادیم و ما میهمان خانواده شهدا در این کاروان هستیم. خانم جاوید، دختر شهید است و دختر شهید برونی مهمان این کاروان است. جانباز داریم که در مجلس شرکت دارند، جانبازهایی متعدد داریم، خدا را شکر. اگر ایستادیم چون علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) ایستاد، چون حسین بن علی (علیه السلام) ایستاد، چون الگو داریم و از همه آنان یاد می‌کنیم. بهترین‌ها را در آن عالم بر سر سفره علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) برایشان خواستاریم و امیدواریم ان‌شاءالله راه شهادت بسته نشود و خدای متعال عاقبت ما را هم ختم به خیر کند.

بحث را پیگیری کنیم من زیاد پرگویی کردم ان‌شاءالله علوی بمانیم و علوی بمیریم و علوی مبعوث بشویم و دستمان را امیرالمومنین (علیه السلام) بگیرند که من خدمت شما عرض می‌کنم گرفته است. در یک جلسه‌ای امام صادق (علیه السلام) نشسته بودند، شیعه نشسته بودند و دو الی سه تا اهل سنت نشسته بودند حضرت رو به شیعه

کردند و فرمودند: «کُلُّکُمْ فِي الْجَنَّةِ ۱۵». یعنی چه؟

همه شما در بهشت هستید. این سنی‌ها حواسشان جمع شد و یکی رو به حضرت کرد و گفت: «حَتَّىٰ مَعْصِي مَنِهْمُ؟»، آن بدکارها نیز بهشت می‌روند؟

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «خوبان با عملشان می‌روند و بدهای آنان را نیز ما شفاعت می‌کنیم». به تعبیر من: به کوری چشم شما. نثار روح چهارده معصوم پاک صلواتی ختم کنید.

فهرست منابع

۱. محمد بن علی بن عثمان کراجکی طرابلسی، کنز الفوائد، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵، ج ۱ ص ۲۹۷.
۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.، ج ۴، ص ۴۳.
۳. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۱.
۴. محمد بن علی بن حسین ابن بایوه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۰۶، ص ۹.
۵. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، مشهد: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶، نامه ۴۵.
۶. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام ج ۲۳، ص ۲۱۱.
۷. سوره حشر، آیه ۹.
۸. سوره انسان، آیه ۸.
۹. سلیمان بن ابراهیم، قندوزی، ینابیع الموده لذوی القربی، دارالاسوه، بی تا. ج ۱، ص ۲۵۴.
۱۰. ابی محمد الحسن بن محمد الدیلمی، ارشاد القلوب، قم: شریف الرضی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۲.
۱۱. محمد محمدی ری شهری، موسوعه الإمام علی بن أبی طالب (ع) فی الكتاب والسنة والتاریخ، بی جا: دارالحديث، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۳۷۸.
۱۲. احمد بن عبد الله بکری، الأنوار فی مولد النبی ص، محقق، مصحح، احمد روحانی، قم، دار الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۲۷۹.
۱۳. عبدالله البحرانی الاصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم: موسسه الامام المهدي، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۹۳۰.
۱۴. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۳.
۱۵. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۶۵.